

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ سپتمبر ۲۰۲۳

## سوآلی به ارتباط گزارفہ گوئی های دیروز!

(۳)

دوشنبه- ۰۴ میزان ۱۴۰۲ - کابل: در قسمت های قبلی این نگاشته تذکر دادم که یکی از صفات زشت و مذموم "ربانی" تفتین و جنگ اندازی بین افراد دور و بر خودش بود. نامبرده اینکار را بیشتر بدان جهت انجام می داد تا افراد دور و برش به فکر سازش با یکدیگر و مقابله با وی نیفتاده، همیشه شخص "ربانی" را به مثابه محور وحدت دوستان و همراهان به رسمیت بشناسند و مورد احترام قرار دهند. در این قسمت نخست با ذکر چند مثال در همین زمینه، می پردازیم بعد طرح سوآلی که عنوان شده است.

\* - یکی از معروفترین نمود های تفتین "ربانی" که به قیمت سقوط مزار و تمام ولایات شمال کشور به دست طالب و قتل عام تعدادی از باشندگان هم میهن ما در آن ولایات گردید، ایجاد اختلاف بین "دوستم" و "اکبر بای" بود. برای آنهایی که به خاطر ندارند باید نوشت، با رسیدن طالب در سال ۱۳۷۵ به دروازه های کابل، همزمان با این که مسعود و بقیه نیروهای مسلح جمعیت اسلامی و شورای نظار از طریق کوهدامن به پنجشیر و سالنگ با تمام تسلیحات سبک و سنگین میراث مانده از نوکران شوروی فرار پیشه کردند، "ربانی" با تعدادی از زعمای حاکمیت آنروز علی رغم کشت و کشتار و تخریباتی که علیه "دوستم" انجام داده بودند، از وی اجازه خواستند تا برای مدتی در مزار توقف نمایند. "دوستم" که تا آنزمان شناخت کافی از "ربانی" و بقیه داعیان و راهیان اسلام سیاسی نداشت، از این پیشنهاد با آغوش باز پذیرائی نموده، "ربانی" و تمام افراد همراهش را در مهمانخانه های "دولتی" جای داد و حتا دست "ربانی" را در اعمال حاکمیت دولتی نیز باز گذاشت.

"ربانی" که نوشتیم تفتین و جنگ اندازی یکی از خصوصیات جبلی اش می باشد، بعد از اندکی استراحت و تکمیل شناخت از دور و بر، برای آن که بتواند "دوستم" را تابع خویش نگه دارد مخفیانه با "اکبر بای" که تا آنزمان خودش و خانواده اش جانبازانه در رکاب "دوستم" شمشیر زده جنایت می کردند، در تماس شده وی را علیه "دوستم" تحریک نمود. همان طوری که می دانید تا "دوستم" خبر شود، "اکبر بای" با یک کودتا قدرت را در مزار در دست گرفت. تنها نتیجه ای که از این درگیری بین "دوستم" و "اکبر بای" به دست آمد، دست به شدن شهر مزار بین "دوستم"، "اکبر بای" و "طالب" بود که در نهایت به پیروزی طالب منجر شده، باعث شد تا طالب بیش از ۱۲ هزار از باشندگان ازبیک، تاجیک و به خصوص هزاره ولایات بلخ و سرپل را به قتل برساند.

\* - مورد دیگر جنگ اندازی بین "قسیم فهیم" و "احمدشاه مسعود" بود. "ربانی" که از قدرت گیری روزافزون "مسعود" همیشه هراس داشت جهت به زیر کشیدن وی به داخل نیروهای "مسعود" دست دراز نموده با بذل میلیونها دالر و کلدارنخست "فهیم" و بعد تر "عبدالله و قانونی" را نیز به طرف خود کشانید و قادر شد مناسبات بین آنها را چنان تیره نماید که به محض کشته شدن "مسعود" انگشت اتهام زودتر و اولتر از همه به طرف "فهیم" دراز شد.

\* - یک مورد دیگر از تفتین "ربانی" تیره ساختن مناسبات بین تاجیکستان و ازبیکستان از طریق سعایت های رذیلانه بین رؤسای جمهور آن دو کشور در سال ۱۳۷۸ بود که اگر روسیه در همان زمان مداخله نمی کرد، به کشتار و قتل عام بین آن دو کشور همسایه منتج می شد.

\* - "ربانی" تنها انسان بی اراده و دارای اداره ضعیف نبود بلکه در تمام دوران حیات، به دنبال روی و دستنگری بیگانگان و به دنبال آنها روان شدن کاملاً عادت نموده بود. وی به هر اندازه که در مقابله مردم افغانستان خود را بزرگ و سازش ناپذیر نشان می داد و به همین علت یکی از مسببان فجایع خونبار کابل و کشته شدن بیش از ۶۵ هزار از همشهریان کابلی ما شد، در رویارویی با خارجیان مزدورمنشانه رفتار نموده تسلیم مطلق بود. از همین رو وقتی کنفرانس بن دایر شد و به تعقیب آن از جانب "خلیلزاد"، حلقه سر دسته غلامان را به گردن "کرزی" انداختند، این انسان ترسو و بی ایمان، علی رغم آن که تا آنزمان در تمام جوامع بین المللی به حیث "رئیس دولت" افغانستان رسمیت داشت، در مقابل اراده آمریکا کمترین اعتراضی از خود نشان نداده، با تأیید تجاوز امپریالیستی بر افغانستان و حاکمیت پوشالی صادراتی آن، برده وار به دنبال آنها روان شد. به تنها چیزی که در آن زمان دلخوش بود، صلاحیت مصرف میلیونها دالر به بهانه تأمین صلح بود. به خصوص هنگامی که دولت جاپان برای پروژه صلح ۵۰ میلیون دالر اختصاص داد، دیگر خنده و شادمانی از دهان "ربانی" دور نمی شد.

هموطنان گرامی!

حال که از "ربانی" حد اقل شناخت لازم را پیدا نمودیم و می دانیم که نامبرده انسانی بود استفاده جو، به هم انداز و مفتن، ترسو، زن ستیز و عقب گرا که نوکری و غلامی بیگانگان زور مند بخش اساسی شخصیتش را می ساخت؛ سوالی که مطرح می گردد این است:

**"اگر ربانی زنده می بود در قبال اوضاع کنونی چه می کرد؟"**

امیدوارم حال که دوستان "ربانی" از "نه کرسی فلک" گذشته، به اصطلاح "افلاک" را زیر پای "ربانی" گذاشته اند، جرأت به خرج دهند و بنویسند که اگر "ربانی" زنده می بود چه می کرد؟ هرگاه فکر می کنند که من در این قضاوتم ظالمانه برخورد کرده ام باید بگویند که چرا هواداران و شاگردان خرد و بزرگش در پی انجام همان کاری که فکر می کنند "ربانی" می کرد، نیستند؟

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**